

## عبدالله بن ابی رافع

## پایه گذار علم تاریخ در اسلام

نویسنده و دبیر امیر مؤمنان (ع)

در شان دوم از سال نهم محل فراغت از زندگی صحابی بزرگ پیامبر و دوست سیدی و پادشاهان آنحضرت و ابی رافع از نظر خوانندگان گرامی گذشت. از جنین شخصیتی، باید فرزند بی وجود آید که از نظر روحی و اخلاقی، و علاقه به اهل بیت پیامبر مانند پدر باشد.

اگر پدر دوست و تنگبان داران اسلام در حکومت علی (ع) بود، فرزند وی **عبدالله**، نگاهبان اسرار سیاسی، و نویسنده مخصوص امیر مؤمنان و منشی فرمانها و نامه های سیاسی و تقدیرها و توضیحات آنحضرت بود.

متون تاریخی گواه است، که از نخستین روزهای خلافت علی وی ستام دبیری را داشته و فرمانهای سیاسی را مینوشت. دو ماه از خلافت علی نگذشته بود، که قیس بن سعد بن عباده که در فکر و دبیر و شجاعت روحی زبانزد خاص و عام بود، از طرف امیر مؤمنان به

استانداری مقرر منصوب گردید، احرام استاشاره در آن زمان همراه با دستور فرمانی انجام میگرفت، که از طرف خلیفه در پاره منصب و موقعیت او نوشته میشد، از این نظر در تاریخ ۱۵ سفر سال ۳۵ هجری امیر مؤمنان فرمانی را املاء کرد، و در آن حضرت و عبدالله، آنرا نوشت و در ذیل فرمان دارد و کتب **عبدالله بن ابی**

## رافع (۱)

در اینکه او دبیر شخص علی (ع) بود، حاکم گفتگو نیست، و در اینستاد بزرگ شنبه منلی او را با این مقام معرفی کرده اند، خلیفه در تاریخ بغداد مینویسد: عبدالله و از پند خود و علی بن ابیطالب روایاتی را نقل کرده و در آنجا دبیر علی و در جنگ نهروان مورکاب علی بوده است (۲).

شیخ طوسی در فهرست و رجال خود و نقلی در فهرست نیز و در این مقام معرفی

(۱) تاریخ کامل ج ۲ ص ۱۳۷ و متن فرمان در پاورقی کامل موجود است.

(۲) تاریخ بغداد ج ۱ ص ۳۰۴

گرداند (۱)

عبدالله نویسنده صلحنامه

## تاریخی

صلحنامه تاریخی سفین که بیان امیر مؤمنان علی (ع) و معاویه، در سفین نوشته شد، بخط دبیر آنحضرت عبدالله بن ابی رافع، بود حکایتیکه معاویه و خود را در آستانه شکست قلمی دید، سر بازان فدا کار عراقی که روی ایمان و اخلاص با سر بازان شام نبرد میکردند، تا قلب لشکر و سپاه شام رفته و نزدیک بود، معاویه را دستگیر سازند، در این لحظه معاویه تصمیم گرفت، که با پناه فرار بگنجد، و حتی اسب تند رو خود را خواست، سرعینش ویرا، محنت کرد، و گفت من اکنون دستم را با یکبار بردن حیلای اختلاف و دو دوستی میان سر بازان علی (ع) بیافزایم معاویه تسلیم نظر وی گردید، قرآنها را بالای نیزه ها زدند، و ارتش علی را به حکمیت فرآن دعوت نمودند عده ای از سر بازان امیر مؤمنان فریب آنرا را خورده، و آنحضرت را وادار به ترک جنگ و آتش بس نمودند، و هر چه علی آنرا پند و اندرز داد، و فرمود: آنان بنام قرآن، میخواهند صفوی شمارا مشرف سازند، سودی بپوشید.

امیر مؤمنان در برابر نظر اکثریت چاره ای جز تسلیم ندید و قرار شد که دو صلحنامه یکی بخط دبیر علی و عبدالله، و دیگری به خط

نویسنده معاویه و عمیر بن عباده کنانی، نوشته شود (۲)

امیر مؤمنان دبیر خود را خواست فرمود: بنویس: **هذا ما تقاضی علیه امیر المؤمنین علی** یعنی: این فرمایشی است که امیر مؤمنان علی (ع) داد، در این لحظه معاویه اعتراض کرد که اگر ویرا امیر مؤمنان میدانست، هرگز او را در جنگ وارد نمیشد، هر وعاسی گفت همان ای دبیر نام علی و پدر او در نام معاویه و پدر او را بنویس، در این لحظه اختلاف میان هواداران علی (ع) و معاویه در گرفت، علی (ع) حاضر نبود که لقب امیر المؤمنین را از کتار نام خود بردارد، و ساعتی در این باره مذاکره گردید.

او در این لحظات، با جمله ای افتاد که پیامبر اکرم در صلح حدیبیه و وقتی که خود آنحضرت دبیر پیامبر بود، فرموده بود.

در جنگ حدیبیه، وقتی پیامبر (ص) با اوسیان پدر معاویه صلحنامه ای مینوشت به علی (ع) دستور داد که چنین بنویسد: **و هذا ما صالح علیه محمد رسول الله** در این لحظه نماینده قریش گفت: ماهر گز محمد را به پیامبری نمی شناسیم و اگر او را پیامبر حدامیدانستیم، هرگز با او نبرد نمی کردیم او اسرار داشت که علی (ع) لقب رسول **الله** را از کتار نام مبارک پیامبر

(۱) فهرست شیخ ص ۱۳۳ رجال طوسی ص ۴۷

(۲) تاریخ طبری ج ۲ ص ۱۷۸

بر دارد. پیامبریه آنحضرت دستور داد که تنها نام او را بنویسد، و لقب را پاک کند زیرا او سَلْمًا و سَوَاحِبًا است، خواه نوشته شود یا نوشته نشود. سپس فرمود: علی را عاقل نیز چنین روزی هست و در آن روز تو بشهرو و مظلوم خواهی شد. سپس علی (ع) دستور داد که عمید الله، تنها نام او را بنویسد، و از سنت پیامبر در این قسمت پیروی نماید (۱).  
**عمید الله پایه گذار تاریخ و سیره در اسلام است.**

اگر با یونان، پدر قهرمان گنتارما، پایه گذار حدیث و فقه در اسلام بود، فرزندان پرورنده او پایه گذار تاریخ و سیره در اسلام میباشند. او همچنین کسی است که قسمتی از حوادث اسلامی را در دورانی که روشن و شهباز و پیدایش تاریخی نام غیب بوده نوشته و کتابی در پیرامون زندگی کسانی که در نبردهای سه گانه امیر، عثمان (جمله صفیون و نهران) شرکت داشتند، تدوین کرده

است و شیخ طوسی مستخود را به این کتاب در فهرستی که درباره مؤلفان شیعه نگاشته ذکر کرده است (۲).

او علاوه بر این، کتابی بنام: «**قضا یا امیر المؤمنین**» دارد، و از آنجا که این کتاب در دست نیست، جهت و ماهیت آن برای ما روشن نیست. ممکن است کتبه منقوذه های امام در آن گرد آمده و در اینصورت قضا یا به معنای دافعه خواهد بود، چنانکه احتمال دارد. تاریخی از حوادثی که علی (ع) در دوران زندگی یا آن روز داشته است در آن نوشته شده باشد (۳).

اوسته های در میان علماء و دانشمندان شیعه مورد وثاقت است، بلکه این سنده در طبقات خود او را محدثی عالیقدر که روایات زیادی نقل نموده، و مورد اعتماد و اطمینان مرفقی بوده است (۴). این حجر در قریب میگوید: «در آن زمان مورد اعتماد است که بعد از قرن اول هجری در مورد زندگی گذشته است»

### در آنجا که صحبت نیست

و در کانون خانواده ای که فروغ صحبت بتابد در کاشانه اینکه پرور بازین گفتار نور افشان بگذرد در همانجا باطنش بسیاری از آلام روحی و آسیبهای اجتماعی را حسنجو کرد و در همانجا نیز باید به پیش گیری و ترمیم نگاه داشته و وضع نابسامان این امر را محروم و با کام اجتماع پرداخته.

این انسانها غالباً در بزرگی یا خاطرهای تلخ و دردناک از کودکی و از پدر و مادر خویش مردمی حساس، زود رنج، مأیوس، ناسازگار، ناراضی، پرتوقع، بدبین، آماده برای تفرقه و وطنیان و خود کف، از کتاب گناه و بیماری های روانی و عصبی می شوند.

از کتاب روح بشر ص ۱۰۳

(۱) تاریخ یعقوبی ص ۲۳ من ۱۷۹ تاریخ کامل ج ۳ ص ۱۶۲

(۲) فهرست شیخ طوسی ص (۳) ایضا فهرست شیخ ص ۱۲۲ (۴) طبقات ص ۵ من ۲۸۲